

Dimension

في الفرنسية

Dimension

في الانكليزية

Dimensio

في اللاتينية

(١) البعد في علم الهندسة هو المقدار الحقيقي الذي يحدد بنفسه أو بغيره مقدار شكل قابل للقياس (كالخط أو السطح أو الحجم) . مثال ذلك : أبعاد الجسم .

(٢) البعد في علم الهندسة أيضاً هو المقدار الحقيقي الذي يعين بنفسه أو بغيره وضع النقطة في المكان (خطأ كان أو سطحاً أو حيزاً) ، فإذا احتاج تعيين وضع النقطة في المكان الى ثلاثة أبعاد قلت ان ذلك المكان ذو ثلاثة أبعاد ، وإذا احتاج تعيين وضعها الى عدد من الأبعاد مثل (٥) ، قلت ان المكان ذو أبعاد قدرها (٥) ، والعلماء يمثلون الهندسة ذات البعد الواحد بمتغير واحد ، وذات البعدين بمتغيرين ، وذات الأبعاد الثلاثة بثلاثة متغيرات كما في الهندسة الاقليدية ، ويشصرون مكاناً غير محدود الأبعاد مقابلاً لعدد المتغيرات التي يمكن تصورها في المعادلات الجبرية كما في الهندسة اللاقليدية (ريمان

البعد في اللغة خلاف القرب ، وهو عند القدماء أقصر امتداد بين الشئين ، فمن قال منهم بالخلاء جعل البعد امتداداً مجرداً عن المادة ، قائماً بنفسه ، ومن أنكر الخلاء جعله قائماً بالجسم . أما المتكلمون فقد جعلوا البعد امتداداً موهوماً مفروضاً في الجسم ، أو في نفسه ، صالحاً لأن يشغله الجسم .

والأبعاد الثلاثة هي الطول ، والعرض ، والعمق . فالطول هو الامتداد الأول ، والعرض هو الامتداد الثاني المقاطع للأول على زوايا قائمة ، والعمق هو الامتداد الثالث القائم على الأول والثاني في الحد المشترك . فما كان ذا بعد واحد فقط ، وما كان ذا بعدين فسطح ، وما كان ذا ثلاثة أبعاد فجسم تعليمي (حجم) .

وللبعد في الفلسفة الحديثة أربعة معان (راجع لالاند (Vocabulaire technique et critique de la philosophie) :

حرکت کنند از جای برمی خیزند در حالی که صحیح و تندرست می باشند و علتی در آنها نیست، و می گویند: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله. و این امری است مشهور و مستفیض، و من خودم آن شب را در آنجا درک نکردم، لکن از مردمان مورد وثوق که اعتماد بر قول آنها بود شنیدم، و هم در مدرسه ای که مهمانخانه آن حضرت است دیدم سه نفر زمینگیر را که قادر به حرکت نبودند، یکی اهل روم، و دیگری از اهل اصفهان، و سومی از اهل خراسان. از آنها پرسیدم: چگونه است که شما خوب نشده اید؟ و اینجا مانده اید؟ گفتند: ما به شب بیست و هفتم نرسیدیم، و همینجا مانده ایم تا شب بیست و هفتم آینده که شفا بگیریم... (رحله ابن بطوطه) (نیز ← نبوت).

سید مهدی حائری

منابع: در متن مقاله آمده است.

البعث والنشور، کتابی کلامی به زبان فارسی در اثبات معاد

جسمانی در دو جلد نوشته میرزا علی اکبر آقا این میرزا محسن اردبیلی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۶ ق). نویسنده این کتاب کوشیده است باورهای بسیاری از فرقه های مذهبی و مکتبهای فلسفی مانند مشائیان و اشراقیان و تناسخ گرایان و دهریان و شیخیان و جز ایشان را رد کند. کتاب دارای پنج فصل است: فصل اول، درباره عقیده مسلمانان درباره معاد؛ فصل دوم، در آیات حاکی از معاد؛ فصل سوم، فرقه های منکران معاد؛ فصل چهارم، دلایل منکران معاد؛ فصل پنجم، احکام انکار و آنچه بر آن مترتب است از کفر و ارتداد. نویسنده طی ده فصل به رد و انکار عقاید صدر المتألهین در باب جبر و تفویض پرداخته است. گاهی این کتاب *بیان البعث والنشور والقیام من الاجداث والقبور* خوانده می شود. این کتاب به شیوه سنگی به چاپ رسیده ولی بدون تاریخ.

منابع: الذریعة، ۱۲۹/۳؛ کتابهای چاپی فارسی، ۵۱۱/۱، ۵۴۹.

محمدحسین روحانی

بُعد، در لغت به معنی مسافت، دوری و دور شدن (مقابل قرب)

است و در اصطلاح فلاسفه و متکلمان به معنی کوتاهترین فاصله بین دو چیز، و نیز به معنی امتداد موهوم و امتداد موجود به کار رفته است.

۱) امتداد موهوم (= بعد موهوم): از دیدگاه متکلمان - که واقعیت مقدار نفی می شود - بعد لا شیء محض و امتدادی موهوم است که در جسم، یا فی نفس فرض می شود و دارای این ویژگی است که جسم آن را بر می کند و بعد موهوم جسم بر آن انطباق می یابد؛ ۲) امتداد موجود - بعد مفطور: از دیدگاه حکما - که قائل به وجود مقدارند و واقعیت مقدار را می پذیرند - بعد امتدادی موجود به شمار می آید. نظریه حکما در باب بعد بر حسب اثبات یا نفی وجود خلأ از سوی آنان به دو بخش تقسیم می شود: یک دیدگاه اثبات کنندگان خلأ: آن دسته از حکما که وجود خلأ را اثبات می کنند بعد را امتداد مجرد، یعنی امتداد مجرد از ماده و قائم به نفس، یا نفس امتداد به شمار می آورند بدان سان که اگر جسم این امتداد را اشغال نکند خلأ تحقق می یابد. بعد مجرد را - که غالباً از آن به مکان خالی تعبیر

در بسیاری از روایات سنی و بعضی از روایات شیعه آمده - که قرآن یکبار به طور دفعی و یکجا از لوح محفوظ به بیت المعمور نازل گشت، سپس بتدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل گردید (*الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ۱۹۲/۱* به بعد)؛ ۳) علامه طباطبایی فرموده است: «منظور از نزول قرآن در شب قدر، حقیقت و واقع قرآن است که بر قلب پیامبر نازل گشت، زیرا که قرآن علاوه بر نزول تدریجی، و ابعیتی دارد که خدای بزرگ پیامبر خود را از آن، در يك شب معین از شبهای ماه رمضان آگاه ساخت و از آنجا که رسول اکرم (ص) از تمام قرآن آگاهی داشت، دستور آمد که درباره قرآن عجله نفرماید تا آنکه دستور نزول تدریجی آن صادر شود، چنانکه می فرماید: «و لاتعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه» (طه، ۱۱۴) (*المیزان، ۱۴/۲* به بعد) طبق این نظر، آغاز نزول تدریجی قرآن روز بعثت (۲۷ رجب) بوده، و نزول جمعی علمی واقعی آن در ماه مبارک رمضان روی داده است گفتنی است که سر آغاز بعثت پیامبر (ص) را روز مبعث می خوانند.

اعمال شب و روز مبعث: همانطور که گفتیم: شیعیان به پیروی از امامان معصوم (ع) خود، روز بیست و هفتم ماه رجب را به عنوان آغاز بعثت پیامبر اکرم (ص) می دانند، و آن را از اعیاد بزرگ می شمارند، و اعمال و مراسم ویژه ای شب و روز مبعث بین آنان متداول است، که بر اساس روایات اهل بیت عصمت (ع) بنا گردیده است در پایان این مقال، اهم اعمال مبعث را فهرست وار می نگاریم: ۱) غسل، در هر يك از شب و روز مبعث مستحب است، چنانکه در کتب دعا و حدیث و فقه یاد شده است (مصباح المجتهد، ۷۵۰؛ اقبال الاعمال، ۶۷۴؛ العروة الوثقی، ۴۶۱/۱؛ ۲) روزه گرفتن روز مبعث و آن یکی از چهار روزی است که در طول سال روزه اش امتیاز خاصی دارد، و در بعضی از احادیث، پاداش آن روزه برابر ثواب هفتاد سال ذکر شده است (همان منابع)؛ ۳) زیارت حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) از راه دور و نزدیک؛ ۴) بسیار صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (ص)؛ ۵) خواندن دوازده رکعت نماز با کیفیت خاصی که در کتب ادعیه بیان شده، و نیز دعاهای مخصوص شب و روز مبعث (اقبال الاعمال، ۶۷ به بعد؛ مفاتیح الجنان، ۱۵۲). ابن بطوطه - که از جهانگردان مسلمان و سنی مذهب بوده است (م ۷۷۹ ق) درباره مراسم شب مبعث در نجف اشرف چنین نگاشته است: «اهل این شهر تمامی رافضی هستند، و از برای این روضه مبارکه کراماتی ظاهر شده است، از جمله آنکه: در شب بیست و هفتم ماه رجب که نام آن شب نزد اهل آنجا لیلۃ المحیا (← احیا) است، از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم هر شل و مفلوج و زمینگیری را می آورند و حدود سی - چهل نفر از این بیماران در آنجا جمع می شوند، و پس از عشا آنها را کنار ضریح مقدس می برند، و مردم جمع می شوند و در انتظار بهبودی آنها به سر می برند، و بعضی نماز می خوانند و بعضی ذکر می گویند و بعضی قرآن تلاوت می کنند، و بعضی تماشای روضه می کنند، تا آنکه نصف یا دو ثلث از شب بگذرد، آن وقت تمام این افراد مبتلا و زمینگیر که نمی توانستند

15 AGUSTOS 1996

دانشنامه جهان اسلام، (۳)، تهران ۱۳۷۶، IRCICA.DN 36948

(۱) بعد

۵۲۰

history of Iraq, London 1985; *The Middle East and North Africa-1994*, London 1993; *Political dictionary of the Middle East in the twentieth century*, ed. Yaacov Shimoni and Evyatar Levine, London 1972; *Political handbook of the world: 1991*, ed. Arthur S. Banks, New York 1991; Patrick Seale, *The struggle for Syria*, London 1986; Peter Sluglett and Marion Farouk-Sluglett, "Sunnis and Shi'is revisited: sectarianism and ethnicity in authoritarian Iraq", in *Iraq: power and society*, ed. Derek Hopwood, Habib Ishow, and Thomas Koszinowski, Oxford 1993; Charles Tripp, "The Iran-Iraq war and the Iraqi state", in *Iraq: power and society*, ed. Derek Hopwood, Habib Ishow, and Thomas Koszinowski, Oxford 1993.

/ عبدالحسین آذرنگ /

اعضای آن عمدتاً از اجزای شورای انقلابی فرماندهی، بالاترین کانون در هرم قدرت عراق، هستند. فرماندهی منطقه‌ای نیز بظاهر تحت نظر فرماندهی ملی عمل می‌کند و همه اعضای آن جزو شورای فرماندهی ملی‌اند. وظیفه انتخاب و اخراج اعضا، انحلال واحدهای حزبی، رهبری و سرپرستی فعالیت‌های حزبی در سراسر کشور با همین فرماندهی است.

هر دو کشور سوریه و عراق، به عنوان نظام‌های تک حزبی، سعی دارند که بر شمار اعضا و هواداران حزب بعث بیفزایند و در عین حال رهبری حزب را از ورود عناصری که بدانها اعتماد کامل ندارند مصون نگاه دارند. به طور کلی، ساختار تشکیلاتی حزب بعث، اعمال نظارت مستمر بر آن و مقررات و انضباط حزبی از عوامل مهم قدرت و دوام فعالیت‌های این حزب بوده است. با این حال، کارآمدی ساختار تشکیلاتی آن تا زمانی بود که حزب روی به قدرت و توسعه داشت.

بعثت ← نبوت

بُعد (۱)، نام فاصله میان دو صوت موسیقایی از لحاظ زیر و بمی. در گذشته به آن، «مَدَّت» نیز می‌گفته‌اند (فارابی، ص ۲۲۳؛ نصیرالدین طوسی، ص ۶) و امروزه آن را «فاصله ۱» می‌نامند. موسیقیدانان قدیم، ابعاد را به دو نوع متفق و متنافر (متباین) تقسیم می‌کردند (فارابی، ص ۲۲۴؛ مراغی، ص ۲۱). امروزه بعد متفق را فاصله مطبوع^۲ و بعد متنافر را فاصله نامطبوع^۳ می‌گویند. فارابی برای مثال بعد متفق را فاصله نغمه مطلق [= دست باز سیم] و نغمه سَبَّابَه وَ تَرْمِثَنی گفته است (همانجا). این فاصله را امروزه فاصله هنگام یا اکتاو^۴ می‌گویند. در حد فاصل میان این دو نغمه، ابعاد ذوالاربع (فاصله چهارم درست) و ذوالخمس (فاصله پنجم درست) نیز جزو ابعاد متفق به شمار می‌آمده‌اند. فارابی درباره ابعاد متنافر نیز نوشته است: فاصله میان نغمه [=نُت] انگشت بنصر (بر روی سیم) مِثَلَّت و دست باز وَ تَرِ مِثْنی، بعد متباین نامیده می‌شود (همانجا). در گذشته، به این فاصله «بقیه» می‌گفتند و امروزه آن را «نیم پرده» یا «پرده کوچک» می‌نامند. در الموسیقی الکبیر انواع ابعاد، مانند بعد بقیه و طنینی (یک پرده بزرگ)، تعریف و درباره گونه‌های هر یک مثالهایی ارائه شده و نام ابعاد، پس از هر دگگونگی، ذکر شده است (همان، ص ۲۲۵-۲۴۷).

در علم الادوار، ابعاد را به سه دسته تقسیم می‌کردند: (۱) عظام، دارای چهار بعد ذوالکُل (فاصله هنگام)، ذوالکل و الخمس (دوازدهم درست)، ذوالکل و الاربع (یازدهم درست)، و ذوالکُل مرتین؛ (۲) اوساط، دارای دو بعد ذوالاربع (چهارم

منابع: عبدالرزاق محمد اسود، موسوعة العراق السياسية، بیروت ۱۹۸۶؛ تاریخ سیاسی عراق، [تهران]: مؤسسه انتشاراتی نهضت جهانی اسلام، [بی‌تا.]; اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران ۱۳۶۷؛ مجید خدوری، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران ۱۳۶۶؛ سمیر خلیل، جمهوری وحشت: سیاست عراق امروز، ترجمه احمد تدین، تهران ۱۳۷۰؛ سوریه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۲؛ خالد عبدالمنعم عانی، موسوعة العراق الحديث، بغداد ۱۹۷۷؛ میشل عفاتق، فی سبیل البعث، دمشق ۱۹۵۹؛ حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران ۱۳۵۶؛ فرهنگ تاریخ، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران ۱۳۶۹؛

Amatzia Baram, *Culture, history and ideology in the formation of Ba'athist Iraq, 1968-89*, New York 1991; *The Cambridge encyclopedia of the Middle East and North Africa*, ed. Trevor Mostyn, Cambridge 1988; Marion Farouk-Sluglett, "Liberation or repression? Pan-Arab nationalism and the women's movement in Iraq", in *Iraq: power and society*, ed. Derek Hopwood, Habib Ishow, and Thomas Koszinowski, Oxford 1993; Marion Farouk-Sluglett and Peter Sluglett, *Iraq since 1958: from revolution to dictatorship*, London 1990; Peter Heine, "Political parties, institutions and administrative structures", in *Iraq: power and society*, ed. Derek Hopwood, Habib Ishow, and Thomas Koszinowski, Oxford 1993; Albert Hourani, *Arabic thought in liberal age*, London 1983; idem, *A history of the Arab peoples*, Cambridge, Mass. 1991; Elie Kedourie, *Politics in the Middle East*, Oxford 1992; Phebe Marr, *The modern*